

محوالات

سرورس حوادث ۴۸۴۳۵۹۸۴۹۸۴

شیخون کارگر نماها به خانه‌های مردم

همه روزه بسیاری از جرائم خطرناک از طرف کارگر نماهای غیرایرانی رقم می خورد

مجرمان خطرناک افغانی در پوشش کارگر ساختمانی مشغول کار در خانه‌هایی می‌شدند که صاحبخانه، زنان و دختران تنها بودند. آنها شیشه و در فرصت مناسب با تهدید قمه و شوکر دست و پای زنان و دختران را می‌بستند و اموالشان را غارت می‌کردند.
به گزارش خبرنگار ما، صبح روز هشتم بهمن ماه سال گذشته کار آگاهان پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ، مأمور رسیدگی به پرونده سرقت خشن از خانه‌ای در مینی‌سیتی شدند. دختر جوان در شرح ماجرا گفت: من و مادرم به تنهایی در خانه زندگی می‌کنیم. چند روز قبل برای گنج‌کاری خانه سه مرد افغان به نام‌های علیرضا، نعیم و فرید را به کار گرفتم. آنها در این چند روز مشغول کار بودند تا اینکه ساعت دو پامداد امروز متوجه باز شدن در خانه شدم. وقتی برای بررسی ماجرا از خواب بیدار شدم، ناگهان دو نفر از افغان‌ها را که علیرضا و نعیم نام دارند، مقابل خود دیدم. آنها در حالی که چاقو به دست داشتند به من حمله و تهدید به قتل کردند. بعد دست و پا و دهان من و مادرم را بستند و در یکی از اتاق‌ها حبس کردند. سپس خانه را گشتند و همه پول و طلاها که ۲۰ میلیون تومان قیمت داشت، سرقت و فرار کردند.

بعد از مطرح شدن شکایت بود که کارآگاهان برای بازداشت سارقان افغان دست به کار شدند. دوم اسفند ماه خبر رسید که شکایت مشابهی در خیابان دیباجی شمالی در منطقه فرمانیه به پلیس گزارش شد. وقتی کارآگاهان خود را به محل رساندند، مشخص شد که سه افغانی به همان شیوه ۱۵۰ میلیون تومان سرقت کرده و گریخته‌اند. دختر جوان با پلیس را از ماجرا با خبر کرده بود، گفت: من همراه مادر و خواهر کوچکم در خانه زندگی می‌کنم. ساعت ۱۲ شب بود که متوجه سسر و صدای مادرم از داخل اتاق پذیرایی شدم. وقتی خواستم از اتاق خارج شوم، مردی چاقو زیر گلویم گذاشت و من را به اتاق پذیرایی برد. دیدم که دست و پای مادرم را بسته و روی صندلی نشانداند. یک مرد افغان در حالی که چاقو و شوکر به دست

داشت، بالای سرش ایستاده بود. خواهر کوچکم هم در یکی از اتاق‌ها حبس شده بود. یکی از افغان‌ها دست و پا و دهانم را بست. بعد هم سراغ پول و طلاهایمان که ۱۵۰ میلیون تومان ارزش داشت، رفتند و بعد از سرقت فرار کردند.

کارآگاهان متوجه شدند که سارقان سه افغانی – علیرضا، خ ۲۷ ساله، نعیم، م و فرید هر دو ۲۵ ساله – هستند که به خانه اولین شاکی هم



دستبرد زده بودند بنابراین مخفیگاه آنها در خیاباد ورامین شناسایی شد، اما مشخص شد که متهمان از محل متواری شده‌اند. در حالی که بررسی‌ها در جریان بود، سرقت‌های دیگری به پلیس گزارش شد که مشخص بود اعضای این شبکه در جریان آن نقش داشته‌اند. کارآگاهان در تحقیقات بیشتر متوجه شدند که علیرضا به عنوان نگهبان ساختمان در حال ساختی در سعادت آباد مشغول کار شده

مرگ مسن ترین فرد جهان در سن ۱۱۶ سالگی

سوزانا موشات جونز، مسن ترین فرد جهان پنج‌شنبه شب در سن ۱۱۶ سالگی در نیویورک از دنیا رفت.
به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، جونز

پس از تحمل یک دوره ۱۰ روزه بیماری در گذشت. وی در سال ۱۸۹۹ در مزرعه‌ای کوچک در حوالی مونته‌گمری ال‌ایلما متولد شد. جونز پس از در گذشت میسائو اوکاوی ۱۱۷ ساله، مسن ترین فرد جهان در سال گذشته در ژاپن، نام خود را در رکوردهای گینس به عنوان مسن‌ترین فرد جهان به ثبت رسانده بود.

مردی که قصد خودکشی داشت روی سقف آمبولانس افتاد

مرد جوانی که با سقوط از پل عابر پیاده در میدان رسالت قصد خودکشی داشت، روی سقف آمبولانس افتاد و از مرگ فاصله گرفت.
حسن عیسی،مدیر روابط عمومی اورژانس تهران گفت: این حادثه عصر روز پنج‌شنبه اتفاق افتاد و امدادگران که با تماس مردم در محل حاضر شده بودند، آمبولانس را زیر پل مستقر کردند.وی ادامه داد:مرد ۲۸ ساله هم بعد از پریدن از روی پل روی سقف آمبولانس سقوط کرد و در حالی که از نقاط مختلف بدن دچار آسیب شده بود، به بیمارستان منتقل شد.

مرگ ۳ کارگر داخل دستگاه مقوا سازی

سقوط سه کارگر به داخل دستگاه مقواسازی در کارگاهی در آذرشهر، مرگ آنها را رقم زد.

این حادثه روز پنج‌شنبه در کارگاهی در شهرک شهید سلیمی آذرشهر اتفاق افتاد و بررسی امدادگران بعد از حضور در محل نشان داد که سه کارگر مرد ۲۹ و ۶۰ ساله به علت شدت جراثت کشته شدند. در تحقیقات مشخص شد که یکی از کارگران ابتدا به داخل دستگاه سقوط کرده بود و دو نفر دیگر برای نجات وی تلاش کرده بودند که این حادثه مرگبار رقم می‌خورد.

تصادف خونین مینی‌بوس با کامیون در تصادف خودروی مینی‌بوس با کامیون در محور سقز به یوکان سه کشته و ۱۰ زخمی بر جای گذاشت.

این حادثه شامگاه پنج‌شنبه در نزدیکی روستای قهرآباد در چهار کیلومتری سقز اتفاق افتاد. بررسی‌های پلیس و امدادگران بعد از حضور در محل و امدارسانی نشان داد که سه نفر از مسافران مینی‌بوس به علت شدت جراثت در محل کشته‌شده‌اند. ۱۰ نفر دیگر هم که دچار جراثت شده بودند، به بیمارستان منتقل شدند. سه رهنگ داوود قاسمیان، جانشین رئیس پلیس راه کشور، علت حادثه را تجاوز به چپ مینی‌بوس اعلام کرد.



مرد مزاحم وقتی متوجه شد دختر جوان رؤیای رفتن به اروپا را در سر دارد، او را قریب‌ب‌دام و طلاهایش را سرقت کرد.

به گزارش خبرنگار ماجا چندنی قبل دختری به اداره پلیس رفت و گفت: مردی او را به پهنه بردن به اروپا فریب داده و پس از ربودن تمام طلاهایش گریخته‌است.

او در توضیح ماجرا گفت: من اهل یکی از شهرستان‌های غربی کشور هستم. مدتی است در خانه‌ام شاهد درگیری پدر و مادرم هستم. آنها هیچ توجهی به من ندارند و همیشه سرگرم کارهای خودشان هستند. مدتی قبل تصمیم گرفتم برای ادامه تحصیل و زندگی به یکی از کشورهای اروپایی بروم تا اینکه مرد ناشناسی چند بار با من تماس گرفت و اصرار کرد تا با هم حرف بزنم. هر هاد به من گفت که اهل تهران است و با چرب‌زبانی خودش را به من نزدیک کرد تا اینکه به او اعتماد کردم و ماجرای زندگی‌ام را برایش توضیح دادم. وقتی درباره رؤیای زندگی‌ام حرف زدم، فرهاد گفت: مدتی در یکی از کشورهای اروپایی زندگی می‌تواند با روابطی که در سقز تخانه‌ها دارد، مقدمات سفر مرا

به اروپا فراهم کند. دختر جوان ادامه داد:

چند روز قبل فرهاد با من تماس گرفت و خواست برای انتخاب کارهایم به تهران بروم. او به من گفت برای کارهای سفارت و گرفتن ویزا نیاز به پول دارم و از من خواست هر چه پول و طلا و جواهر دارم با خودم به تهران بیاورم.

می‌خواستم برم اروپا اما سزا یکی از بزرگراه‌ها در آوردم

وی ادامه داد: دیروز تمام طلاهایم را برداشتم و راهی تهران شدم. فرهاد در ترمینال به سراغم آمد و این اولین ملاقات من با او بود. او شب مرا به مسافر‌خانه‌ای در جنوب تهران برد و قرار شد صبح مرا برای انجام کارهایم به سفارت ببرد. آن شب به خاطر عشق رفتن به اروپا تا صبح خوابیدم تا اینکه صبح او مرا سوار خودرو کرد و به راه افتاد. در حاشیه یکی از بزرگراه‌ها توقف کرد و از من خواست هر چه طلا و پول دارم به او بدهم. وقتی علت را پرسیدم، چاقو کشید و مرا تهدید به مرگ کرد. بعد هم مرا ن پیاده کرد و پا پول و طلاها گریخت. با طرح این شکایت پرونده به دستور قاضی ارش سیفی، بازپرس شعبه چهارم دادسرای

جنایی تهران برای رسیدگی و شناسایی مرد آدم‌بریا در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

شناسایی متهم

در یکی از شهرستان‌های مرکزی
مأموران در نخستین گام، شماره تلفن متهم را بررسی کردند و موفق شدند وی را که اهل یکی از شهرستان‌های مرکزی است، شناسایی کنند. وقتی مأموران برای دستگیری وی وارد عمل شدند دریافتند متهم مدتی است به مکان نامعلومی گریخته‌است. در حالی که متهم هیچ سرنخی از مخفیگاه جدیدش به جا نگذاشته بود، مأموران با آموزش شاکی وی را در یک قرار ملاقات مسوری به دام انداختند. متهم پس از دستگیری به جرم خوداتکاف مرتکب

وی گفت: من وضع مالی خوبی داشتم تا اینکه ورشکست شدم. هر روز طلبکارها برای گرفتن پولشان سراغم می‌آمدند تا اینکه این نقشه به فکر رسید. من هر روز به صورت اتفاقی با چندین شماره تماس می‌گرفتم تا اینکه با شاکی موفق به حرف زدن شدم. همان ابتدا متوجه

عشق زندگی در اروپا به زورگیری در بزرگراه ختم شد

شدم او نیاز به محبت دارد و سعی کردم با ابراز علاقه او را فریب دهم. من قصد داشتم از این طریق از او اخاذی یا سرقت کنم تا اینکه فهمیدم او علاقه زیادی به زندگی در اروپا دارد. به همین دلیل چند روز امدعا کردم که در اروپا زندگی برده‌ام و آنجا آشنا دارم. شاکی وقتی حرف‌های مرا شنید و از من خواست مقدمات سفر او را به اروپا فراهم کنم، دستگیری وی وارد عمل شدند دریافتند متهم مدتی است به مکان نامعلومی گریخته‌است. در حالی که متهم هیچ سرنخی از مخفیگاه جدیدش به جا نگذاشته بود، مأموران با آموزش شاکی وی را در یک قرار ملاقات مسوری به دام انداختند. متهم پس از دستگیری به جرم خوداتکاف مرتکب

شدم او نیاز به محبت دارد و سعی کردم با ابراز علاقه او را فریب دهم. من قصد داشتم از این طریق از او اخاذی یا سرقت کنم تا اینکه فهمیدم او علاقه زیادی به زندگی در اروپا دارد. به همین دلیل چند روز امدعا کردم که در اروپا زندگی برده‌ام و آنجا آشنا دارم. شاکی وقتی حرف‌های مرا شنید و از من خواست مقدمات سفر او را به اروپا فراهم کنم، دستگیری وی وارد عمل شدند دریافتند متهم مدتی است به مکان نامعلومی گریخته‌است. در حالی که متهم هیچ سرنخی از مخفیگاه جدیدش به جا نگذاشته بود، مأموران با آموزش شاکی وی را در یک قرار ملاقات مسوری به دام انداختند. متهم پس از دستگیری به جرم خوداتکاف مرتکب

شدم او نیاز به محبت دارد و سعی کردم با ابراز علاقه او را فریب دهم. من قصد داشتم از این طریق از او اخاذی یا سرقت کنم تا اینکه فهمیدم او علاقه زیادی به زندگی در اروپا دارد. به همین دلیل چند روز امدعا کردم که در اروپا زندگی برده‌ام و آنجا آشنا دارم. شاکی وقتی حرف‌های مرا شنید و از من خواست مقدمات سفر او را به اروپا فراهم کنم، دستگیری وی وارد عمل شدند دریافتند متهم مدتی است به مکان نامعلومی گریخته‌است. در حالی که متهم هیچ سرنخی از مخفیگاه جدیدش به جا نگذاشته بود، مأموران با آموزش شاکی وی را در یک قرار ملاقات مسوری به دام انداختند. متهم پس از دستگیری به جرم خوداتکاف مرتکب

شدم او نیاز به محبت دارد و سعی کردم با ابراز علاقه او را فریب دهم. من قصد داشتم از این طریق از او اخاذی یا سرقت کنم تا اینکه فهمیدم او علاقه زیادی به زندگی در اروپا دارد. به همین دلیل چند روز امدعا کردم که در اروپا زندگی برده‌ام و آنجا آشنا دارم. شاکی وقتی حرف‌های مرا شنید و از من خواست مقدمات سفر او را به اروپا فراهم کنم، دستگیری وی وارد عمل شدند دریافتند متهم مدتی است به مکان نامعلومی گریخته‌است. در حالی که متهم هیچ سرنخی از مخفیگاه جدیدش به جا نگذاشته بود، مأموران با آموزش شاکی وی را در یک قرار ملاقات مسوری به دام انداختند. متهم پس از دستگیری به جرم خوداتکاف مرتکب

تعویق فعالیت عمرانی به خاطر تولد لک‌لک‌ها

تخم‌گذاری یک جفت لک‌لک روی آشیانه‌ای بر بلندای محفظه ساخت بتن سبب شد تا عملیات عمرانی تا تولد جوجه‌ها به تعویق بیفتند.

اول اسفندماه سال گذشته، مועد برچیدن بچینگ ساختن بتن در کارگاهی عمرانی در شهر میانه بود. اما کارکن شرکت متوجه شدند که لک‌لک‌ها بر بلندای بچینگ لانه و تخم‌گذاری کرده‌اند، بنابراین با تصمیم مدیران شرکت برای حفاظت از لک‌لک‌ها عملیات برچیدن بچینگ تا تولد جوجه‌ها و ساخت یک آشیانه تازه در کنار محفظه به تعویق افتاد. کارکنان شرکت خیلی زود دست به کار شدند و در نزدیکی بچینگ، محل مناسبی برای قرار دادن لانه لک‌لک‌ها بنا کردند و منتظر تولد جوجه لک‌لک‌ها ماندند. چند روز قبل و با تولد جوجه‌ها بود که عملیات انتقال لانه به محل جدید با دقت بسیار به جریان افتاد و کارکنان شرکت در نهایت دقت موفق به انتقال لانه به محل جدید شدند.



متهم ۶ سال قبل مر تکب قتل شده بود

توبه نجاتبخش قاتل در زندان

مادر مقتول وقتی متوجه شد قاتل پسرش در زندان توبه کرده است، او را بخشید. متهم شش سال قبل در شهریار مرد جوانی را به قتل رسانده بود.

به گزارش خبرنگار ما، روز ۲۱ دی ماه سال ۸۹ بود که مأموران پلیس شهرستان شهریار از درگیری مرگباری در یکی از خیابان‌ها با خبر و راهی محل شدند. وقتی مأموران در محل حادثه حاضر شدند با جسد متوین مرد ۲۷ ساله‌ای مقابل در خانه‌ای روبه‌رو شدند که با اصابت ضربات چاقو به قتل رسیده بود. بررسی‌ها حکایت از آن داشت که مقتول بچه محله دیگری است، اما مدتی است به در این خانه رفت و آمد دارد. از سوی دیگر تحقیقات نشان داد تنها شاهد این حادثه زن همسایه است که قاتل را شناسایی کرده است. بنابراین مأموران سراغ این زن رفتند. وی گفت: ساعتی قبل داخل خانه‌ام بودم که صدای درگیری از داخل کوچه به گوشم رسید و وقتی از پنجره داخل کوچه را نگاه کردم، دیدم که یکی از همسایه‌ها به نام ابراهیم با مقتول در حال مشاجره لفظی است. دقایقی از مشاجره این‌گذشته بود که با چشمان خودم دیدم، مرد همسایه چاقویی از جیبش بیرون آورد و ضربه‌ای به مقتول زد. وقتی وی خونین نقش بر زمین شد، ابراهیم از محل ریخت. حرف‌های زن کافی بود تا مأموران ابراهیم را به عنوان مظنون به قتل دستگیر کنند.

متهم در بازجویی‌های اولیه قاتل را انکار کرد و گفت: چند سالی بود من خرده فروشی مواد می‌کردم تا اینکه از کارم بشیمان شدم و توبه کردم. روز حادثه مقتول همراه مرد افغانی دیگری برای خرید مواد به در خانه من آمدند. آنها قبل از اینکه زنگ خانه مرا به صدا درآوردند با هم درگیر شدند که در جریان آن مرد افغانی با چاقو ضربه‌ای به مقتول زد و فرار کرد. از آنجایی که این حادثه مقابل خانه من رخ داده بود، من از ترس فرار کردم.

متهم در بازجویی‌ها با تناقض گویی، قصد فریب مأموران پلیس را داشت، اما وقتی مورد بازجویی قرار گرفت، به قتل اعتراف کرد. وی گفت: من توبه کرده بودم و دیگر قاچاق فروشی نمی‌کردم، اما مقتول فکر می‌کرد به او دروغ می‌گویم. روز حادثه به در خانه من آمده بود و اصرار داشت به او مواد بدهم. هر چقدر به او گفتم که من توبه کرده‌ام بایر نمی‌کرد. او اصرار داشت تا به او مواد بدهم یا پول که همین موضوع باعث درگیری ما شد. من قصد داشتم او بترسانم به همین دلیل چاقویم را از جیبم بیسرون آوردم اما وقتی خواستم به کنفش بزنم به قلبش اصابت کرد.وی در پایان با اظهار بشیمانی گفت: من قصد قتل نداشتم و این حادثه به صورت اتفاقی رخ داد.

متهم پس از تحقیقات تکمیلی، در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد. مادر مقتول برای متهم درخواست قصاص داد و هیئت قضایی هم‌وی را به جرم قتل عمد به قصاص محکوم کردند. رأی دادگاه پس از تأیید در شعبه ۱۲ دیوان عالی کشور برای سیر تشریفات اجرائی حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای جنایی فرستاده شد. در حالی که متهم در یک قدمی جوده‌بار قرار داشت، تیم صلح و سازش دادسرای جنایی به سرپرستی قاضی شهرداری سرپرست دادسرای جنایی تهران تلاش‌های زیادی برای جلب رضایت انجام دادند تا اینکه چند روز قبل مادر مقتول به عنوان تنها اولیای دم به دادسرافت و با ارائه رضایتنامه کتبی به قاضی شعبه اجرای احکام متهم را بخشید. وی گفت: متهم توبه کرده‌وقل داده‌است، چنانچه او را ببخشم، دنبال کارهای خلاف نرود. به همین دلیل تصمیم گرفتم او را ببخشم تا فرصت زندگی تازه‌ای داشته باشد. بنابراین قاتل خلافکار را بین اقدام خدایماندانه از طناب‌دار فاصله گرفت و به زندگی دوباره بازگشت.

کودک فال فروش زیر چتر پلیس

عکس پناه دادن مأمور وظیفه پلیس راهور به کودک فال فروش در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود.

عمر روز چهار شنبه، ۲۲ اردیبهشت‌ماه وقتی مأمور پلیس راهور در خیابان انقلاب متوجه می‌شود کودک فال فروش میان بارش شدید باران در مانده شده با لباس خود برایش چتری می‌سازد و او را در پناه خود می‌گیرد. تصاویری که از این لحظه ثبت شده به سرعت در فضای مجازی دست به دست می‌شود. رفتار این پلیس وظیفه‌شناس مورد اقبال هزاران کاربر قرار گرفته است.

